



بازتاب فلاح در کاشان از منظر کتاب تاریخی مرآة القاسان^۱

امید مسعودی فر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۷

چکیده

عصر ناصری دوره تغییر و تحولات اجتماعی در تاریخ ایران و شروع مدرنیسم اجتماعی است. عواملی مانند تغییر در نحوه کارکرد دستگاه دیوانسالاری سنتی، ارتباطات فرهنگی و اقتصادی گسترده با جهان خارج، ورود مظاهر نوین پیشرفت صنعتی به کشور، گسترش صنعت چاپ و نشر و رقابت قدرت‌های بزرگ استعماری در آسیا، این تحولات را رقم زدند. در این دوره گردآوری و تدوین اطلاعات درباره فرهنگ، اقتصاد ایالات و ولایات کشور توسط مؤلفان مورد توجه قرار گرفت.

این نوشتار به واکاوی وضعیت فلاح کاشان در آینه کتاب مرآة القاسان و کاربردی بودن نکات مطرح شده برای دوره معاصر است. این پژوهش بر اساس روش اسنادی- کتابخانه سامان یافته است. نتایج نشان داد فلاح پایه اصلی اقتصادی در دوره میانی حکومت ناصری است، دانش بومی سرزمینی عامل ثبات کشاورزی آن دوره بوده است و در این منطقه خشک، قنات محور کشاورزی است. بازیابی این دانش بومی می‌تواند در رفع بحران‌های زیست محیطی امروزه کاربردی باشد. مؤلف با ذکر وقایع تاریخی دوران قاجاریه در کاشان اثری جامع را نگاشته است. مرآة القاسان تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی که با عنوان تاریخ کاشان در ایران نشر شده است اثر دایرةالمعارف گونه‌ای است که به جوانب تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی کاشان در عصر ناصری می‌پردازد. این اثر اطلاعات دست اول و جامعی در ارتباط با کاشان، اجتماع و اقتصاد آن منطقه ارائه می‌دهد که در شناخت تحولات آن دوران بسیار مؤثر است.

واژگان کلیدی: دوره ناصری، کاشان، فلاح، کلانتر ضرابی، مرآة القاسان.

^۱- مسعودی فر، امید. (۱۴۰۳)، بازتاب فلاح در کاشان از منظر کتاب تاریخی مرآة القاسان، فصلنامه تحقیقات تاریخ ایران/ دوره اسلامی، سال اول،

شماره اول، تهران: ص ۲۸-۳۹.

^۲- استادیار گروه کشاورزی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، پست الکترونیک: omassoudifar@pnu.ac.ir

مقدمه

شناخت وضعیت اجتماعی جوامع در سده‌های پیشین از روی شواهدی مانند متون، بناها، تندیس‌ها، سکه‌ها، منسوجات،... و تطبیق اسناد و شواهد از روش‌های متداول در تحقیقات تاریخ‌های محلی می‌باشد. متون درجه اول برای امر پژوهش شامل کتب جغرافیایی و تاریخی، تذکره‌ها، فرمان‌ها، اسناد تجاری، سفرنامه‌ها و گزارش‌ها و نقشه‌ها که در دوران تاریخی مورد مطالعه هستند. از آثار مکتوب دوره بعد اسلام تا آغاز دوره معاصر می‌توان به کتب جغرافیایی که به شهرهای ایران اشاره دارد مانند کتب البلدان یعقوبی، مجمع البلدان یاقوت حموی، نزهة القلوب حمدالله مستوفی، آثار البلاد و اخبار العباد قزوینی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم مقدسی و سفرنامه‌های نظیر سفرنامه ناصرخسرو، سفرنامه ابودلف خزرچی، سفرنامه ابن بطوطه، سفرنامه پیترو دولویه، سفرنامه جکسن، سفرنامه فلاندن و سفرنامه شاردن،... اشاره نمود، که با تتبع در آن و مقایسه تطبیقی می‌توان به نقشه و حدود، اوضاع اجتماعی، سیاسی شهرها در دوران پیشین پی برد. توصیف فضای اقتصادی کسب و کار داخل شهرها، مزارع و باغات کشاورزی اطراف شهر از جمله توصیفات کتب تاریخ جغرافیایی در تاریخ ایران است. در قرون میانه تا دوره صفوی اقتصاد شهرها و روستاها بر مبنای امر فلاح و دامداری سامان یافته بود و اساس تولید و مصرف کشاورزی سنتی - معیشتی و تحت تأثیر منابع آب در دسترس بود (هنوز هم میزان منابع آب عامل اصلی محدودکننده تولید محصولات زراعی هستند).

حکومت صفوی (۹۰۷ تا ۱۱۴۸ هجری قمری / ۱۵۰۲ تا ۱۷۳۶ میلادی) که پس از فترت ناشی از اضمحلال ایلخانان و حمله تیمور در سده دهم اداره امور ممالک محروسه ایران را بر عهده گرفت با ایجاد حکومت قوی، بازسازی سیستم دیوانی متمرکزتر، گسترش روابط خارجی و بیرون راندن مهاجمان توانست ثبات اقتصادی و امنیت برقرار نموده که حاصل آن رشد تولیدات کشاورزی و صادرات آن بود که در سفرنامه‌های سیاحان غربی این رونق اقتصادی انعکاس یافته است. در این دوران مناسبات زمین‌داری در جهت افزایش محصول بهبود می‌یابد اما همچنان سیستم کشاورزی سنتی - معیشتی بود. بعد صفویه و فترت ناشی از سقوط آن حکومت مجدداً فلات ایران زمین شاهد کشمکش حکومت‌های محلی است که باعث کاهش محصول فلاحی و بروز قحطی‌های می‌گردیده است و افشاریه و زندیه نیز نتوانستند حکومت‌های مقتدر مرکزی را بازسازی کنند تا اینکه در دوره قاجاریه و به ویژه پس از جنگ‌های ایران روس، تفکر توجه به نوسازی سیستم دیوانی اداره کشور و بازاندیشی در مبانی تولید اقتصادی و وضعیت نظامی کشور در کانون توجه نخبگان حکومت و جامعه قرار گرفت. عصر ناصری به ویژه دوران میانی آن را باید سرآغاز اصلی فرایند تلاش برای مدرنیزاسیون کشور دانست که احداث تلگراف سراسری را باید سمبل نمادین آن دانست. از نیمه قرن نوزدهم تلاش‌ها برای گسترش کشاورزی تجاری و عبور از کشاورزی سنتی در سطح دیوانیانی که جز ملاکین بزرگ بودند، آغاز گردیده بود.

کاشان از نخستین شهرهای فلات ایران است (حفاری‌های تپه سیلک) که از دوران قبل اسلام مورد توجه بوده و در دوران بعد اسلام در متون ذکر آن رفته است. این شهر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای دارد (مابین دو پایتخت تاریخی

و معاصر یعنی اصفهان و تهران). مرآة القاسان تک نگاری جامعی است که در اواسط دوره ناصری درباره این شهر نگاشته شده است. لازم به ذکر است نظر به اهمیت این شهر و منطقه در ساختار دیوانی مانند سایر ایالات، والی منطقه کاشان به طور مستقیم توسط پادشاه قاجار تعیین می شده است و عنوان آن در مراسلات رسمی، حکومت کاشان بوده است و در رده ایالات و ولایاتی چون گیلان و کرمان قرار می گرفته است (مسعودی فر، ۱۴۰۲: ۱۵-۱۸).

کتاب «مرآة القاسان» تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی ملقب به سهیل کاشانی که در چاپ های جدید به نام تاریخ کاشان به زیور طبع آراسته شده است، تألیف این کتاب در سال ۱۲۸۷ هجری قمری آغاز و در سال ۱۲۸۸ هجری قمری به انجام رسیده است. این کتاب در دوره ناصری تألیف گشته و مؤلف از دیوانیان ارشد در دستگاه حکومتی بوده است. کتاب اثری است اختصاصی در تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، فرهنگ و رجال کاشان به نگارش درآمده است. در این مقاله پس از بررسی کاشان در شرایط عصر ناصری و مطالعه این شهر در متون تاریخی دوران ایران اسلامی، به امر فلاح در آن منطقه براساس مرآة القاسان پرداخته می شود.

بیان مسئله و روش پژوهش

مسئله این تحقیق، بررسی چشم انداز وضعیت کشاورزی در دوره تألیف این کتاب براساس مطالب مندرج در مرآة القاسان است. ضمناً این پرسش بررسی می گردد که آیا چشم انداز تاریخی کشاورزی آن دوران می تواند برای دوره معاصر کاربردی باشد یا خیر؟ روش پژوهش به صورت اسنادی- کتابخانه ای است.

پیشینه پژوهش

مرآة القاسان نخستین بار به صورت خطی در سال ۱۲۸۸ هجری قمری به صورت نسخه خطی تألیف شد و مرحوم ایرج افشار در دهه سی شمسی کتاب تاریخ کاشان را تصحیح و به چاپ رسانید. مرحوم ایرج افشار (۱۳۳۵) به مناسبت چاپ کتاب مرآة القاسان، بازدید میدانی از منطقه کاشان کرد و گزارش آن را در دو شماره مجله یغما به چاپ رسید. غفاریان (۱۳۸۰) در نشریه کتاب ماه فصل های کتاب را مختصر معرفی و ارائه کرد. رحمانیان و میرزایی (۱۳۹۷) نظام مالکیت آب را براساس مرآة القاسان تحت بررسی قرار دادند. مهدی زاده (۱۳۹۹) کتاب تاریخ کاشان را از دیدگاه علم سرشماری بررسی نمود.

کاشان در منابع جغرافیایی دوره اسلامی

مورخان و جغرافی نویسان دوره اسلامی کاشان را جزء شهرهای ایالت جبال می دانستند و در مسیر اصفهان به ری ذکر کرده اند. یکی از نخستین توصیف ها از جغرافیای کاشان در کتاب حدود العالم (قرن چهارم هجری) آمده است: «شهریست بسیار نعمت و از آنجا دبیران و ادیبان بسیار خیزند و اندر وی کژدم بسیار خیزد» (ستوده، ۱۳۶۲: ۱۴۳). مؤلف معجم البلدان یاقوت حموی کاشان را ذیل عنوان «قاشان» ذکر کرده و آن را شهری نزدیک اصفهان ذکر کرده است و به تعیین مسافت این شهر تا شهرهای معروف اطراف پرداخته است و از نظر اداری آن شهر را از نواحی

اصفهان دانسته است: قاشان من نواحی اصبهان (قنوات، ۱۳۸۹: ۱۷۵). اصطخری در وصف شهر کاشان می‌گوید شهرست کوچک و ابنیه آن مانند قم غالباً از خشت است. جغرافی‌نویسان عرب آن را به صورت قاشان نوشته‌اند نه کاشان. این شهر در مشرق زمین به ساختن یک نوع آجر به نام کاشی (یا کاشانی) معروف است. مقدسی می‌گوید کاشان عقرب‌های عجیب دارد و یاقوت حموی به کاسه‌های قشنگ سبز رنگ آنجا که به سایر بلاد صادر می‌گردید، اشاره دارد (لسترینج، ۱۳۸۳: ۲۲۶). حمدالله مستوفی که از اعظم مورخان و جغرافی‌نویسان است در اثر بزرگ خود نزهه القلوب ذیل مقاله الثلاثه که در قرن هشتم نگارش یافته است در چند محل ذکر کاشان را نموده است. ابتدا فاصله مکه معظمه تا کاشان را دویست و هفتاد و هفت فرسنگ ذکر کرده است (مستوفی، ۱۳۸۹: ۹) و در ذکر عراق عجم، کاشان را در اقلیم چهارم دانسته که زیاده خاتون آن را بنا نهاده است. (همان: ۶۷). مستوفی هنگام توصیف شهرهای دیگر، فاصله آنها تا کاشان را آورده است که این خود نشان‌دهنده اهمیت کاشان و موقعیت ژئواستراتژیک این شهر در آن دوران بوده است. جهانگردان اروپایی نیز اکثراً به شرح سفر خود هنگام عبور از قم و کاشان پرداخته‌اند و برخی از آنان این شهر را زیباتر توصیف کرده‌اند. (جکسن، ۱۳۵۷: ۴۶۳). آنچه از متون تاریخی به دست می‌آید این است که بین حکومت قم و کاشان پیوستگی اداری وجود داشته است. بارتولد از اهمیت صنعتی کاشان در قرن دهم و صنایع مستظرفه آن سخن گفته است. (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۹۳).

کاشان در فرهنگ‌نامه‌ها به معنای کاشانه، خانه و جایگاه جشن می‌باشد. شهر کاشان از ادوار گذشته به نام‌های قاشان، قاسان، کاسان، کی‌آشیان و چهل حصاران خوانده شده است. پادشاهان صفویه و قاجاریه در کاشان بناهایی ایجاد کرده و یا به تعمیر ابنیه به‌خصوص در فین کاشان دست زده‌اند. این شهر در دوره صفویه لقب دارالمؤمنین یافت (غفاریان، ۱۳۸۰: ۸۴). گروهی نام کاشان را برگرفته از قبایل کاسی که در دوره تمدن بابل در فلات ایران بوده می‌دانند. آثار تپه سیلک پیشینه هفت‌هزار ساله تاریخی و تمدنی را آشکار کرده است (گریشمن، ۱۳۸۱: ۱۲). دوره صفوی به ویژه دوره شاه عباس اول دوره شکوفایی اقتصادی کاشان در عصر صفوی است. شاه عباس اول بنا به وصیتش در کاشان دفن گردید و شاه عباس دوم در این شهر بر سریر سلطنت نشست. بزرگان کاشان همواره در دستگاه سیاسی حکومت‌های صفوی، نادری و قاجار نقش مهمی داشتند. نادرشاه به پاس خدمات آنان این شهر را دو سال از مالیات معاف نمود (همان: ۸۵).

عصر ناصری

این دوره طولانی حکومت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق / ۱۸۴۷-۱۸۹۶ م) را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ ایران دانست. دوره‌ای که دیگر نبردهای بزرگی چون جنگ‌های ایران و روس و نبردهای محمدشاه رخ نداد اما در کشمکش‌هایی چون جنگ هرات، جنگ بوشهر، بخشی از کارزار در میدان جنگ رخ داد و قسمت عمده آن در عرصه سیاست داخلی و خارجی، در بستر بازی بزرگ^۱ امپراطوری روسیه و بریتانیای کبیر بر سر مناقشات هند و آسیای میانه

^۱ - The Great Game in Asia

رخ داد و تا سال ۱۹۰۷ ادامه یافت. ایران به عنوان کشور حائل^۱، بین منافع متضاد دو قدرت بزرگ قرار گرفت که بر جهت‌گیری تصمیم‌گیری‌های سیاسی در امور خارجه و به تبع آن داخله در نیمه دوم حکومت ناصرالدین‌شاه اثر می‌گذاشت (هاپکرک، ۱۳۷۹: ۲۱۲-۴۱۹). این دوره ۵۰ ساله را به چهار بخش می‌توان تقسیم نمود: بخش اول دورانی است که با صدرات امیرکبیر شروع می‌شود و تا پایان صدرات میرزا آقاخان نوری ادامه می‌یابد. این عصر را می‌توان آخرین دوره دیوان‌سالاری سنتی در ایران دانست که از دوره غزنوی و سلجوقی آغاز گردیده بود. دوره‌ای که دیوانیان و مستوفیان به صورت فردی، سنتی و اکثراً موروثی امور جاری کشور را پیش می‌بردند (امانت، ۱۳۸۴: ۴۵۷)، بخش دوم دورانی است که ناصرالدین‌شاه خود امور اجرایی را مستقیماً به صورت سنتی با کمک نهادهای وزارتی تأسیس شده هدایت می‌کرد و دوره گذار از دیوان‌سالاری سنتی به دولت سنتی مبتنی بر نهاد وزرات است. به موجب فرمان ناصرالدین‌شاه که در بیست و سوم محرم ۱۲۷۵ هجری قمری در روزنامه وقایع اتفاقیه چاپ شد، کارهای دولت بین شش وزارت‌خانه، یعنی داخله، امور خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه و فوائد عامه تقسیم شد. وزارت‌خانه‌ها در شورایی شبیه یک هیئت دولت به نام «شورای دولت» سازمان می‌یافتند (کریمیان، ۱۳۷۹: ۴۱). دوره سوم دوره تکامل نهاد وزارت و تعامل ایران با جهان خارج است و نقش صدر اعظم و وزرا که جایگزین مستوفیان بودند به عنوان مسئولان امور داخلی کشور پر رنگ است. دوره چهارم در حقیقت دوره‌ای است که شروع گسترش اندیشه‌های سیاسی بر مبنای دولت-ملت در میان کارگزاران حکومت و طبقه نخبه جامعه است که چندی پس از کشته شدن ناصرالدین‌شاه یکی از بسترهای نهضت و انقلاب مشروطیت است. در حقیقت در نیمه دوم حکومت ناصرالدین‌شاه بود که تجددخواهی شکل گرفت و دروازه‌های ایران بر روی مدرنیته آن زمان گشوده شد. تأسیس خطوط تلگرافی در سال ۱۸۶۲ میلادی تأثیر بزرگی بر قدرتمند شدن ساختار تمرکزگرا در حکومت گذارد (لمبتون، ۱۳۸۵: ۲۰۵). گسترش مطبوعات فارسی زبان (به ویژه در خارج کشور و ارسال آن به داخل) و تعاملات فرهنگی-اقتصادی بین ایران و اروپا از دیگر مشخصه‌های اواخر دوره ناصری است. ساختار اقتصادی جامعه مبتنی بر کشاورزی بود و از نیمه دوم قرن نوزدهم این امر از کشاورزی معیشتی به سمت کشاورزی تجارتي سوق یافته بود (رازنهان و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۵). دولت مرکزی معمولاً دچار بحران مالی می‌گردید و نظام‌های اجتماعی ایلات در برخی ایالات، ولایات و بلوکات برقرار بود. دوره ناصری را می‌توان دوره‌ای مؤثر در تاریخ شهرنشینی ایران دانست که پس از سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا رخ نمود که با الگو گرفتن از ساختارهای شهری، استفاده از معماران خارجی و شکل‌گیری بلدیه جدید (شهرداری) همراه بود. از منابع دست اول در حوزه جغرافیای تاریخی این دوره می‌توان به آثار محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (مرآة البلدان، تاریخ وقایع، روزنامه خاطرات)، سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه، تاریخ کاشان، آثار میرزا عبدالغفار نجم‌الملک، کتاب جام‌جم تألیف فرهاد میرزا معتمدالدوله اشاره کرد.

^۱ - Buffer state

معرفی نویسنده تاریخ کاشان: کلانتر ضرابی

عبدالرحیم کلانتر ضرابی (۱۲۴۳-۱۳۰۸ ه.ق) متخلص به سهیل فرزند میرزا ابراهیم بن میرزا صادق بن حاج رضای نایب الایاله برادر فتحعلی خان صبا، از کارگزاران، مورخان، هنرمندان روزگار قاجار است. او سال‌ها سمت کلانتر شهر تهران دارا بوده است و لقب کلانتر ضرابی به این مناسبت است. او از شعرا دوره ناصری است و در شعر به «سهیل» متخلص بوده است و ضمناً در خوشنویسی به ویژه خط نستعلیق جزء ممتازان عصر خویش بوده و در نقاشی هم دستی داشته است. او در تهران و در ۶۵ سالگی بدرود حیات گفت و مدفنش واقع در امامزاده یحیی است. وی کتاب مرآة القاسان (تاریخ کاشان) را در سال ۱۲۸۷ تا ۱۲۸۸ هجری قمری به نگاشته است و حاوی مطالبی مربوط به تاریخ و جغرافیای کاشان است (عاطفی، ۱۳۸۹: ۱۱۹). کلانتر ضرابی در یادداشتی در نسخه مرآة القاسان موجود موزه بریتانیا به شماره ۹۹ ذیل مقدمه کتاب اینگونه خود را معرفی می‌کند: «عبدالرحیم‌خان کلانتر مستشار دیوان محاکمات اداره جلیله نظمیه و زمینیه ایران المتخلص بسهیل دنبلی الماخذ کاشانی الوطن طهران مسکن» که نشان‌دهنده آن است که او در دستگاه قضاوت نیز مشغول بوده است. او در مرآة القاسان از روابطش با افراد سرشناس دیوان محاکمات و وزارت خارجه نام می‌برد که نشان‌دهنده موقعیت بالای اداری و دیوانی او بوده است (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: مقدمه).

علت تألیف کتاب تاریخ کاشان

از اواخر دوره محمدشاه توجه به تحقیق در باره تاریخ و جغرافیا ایران جدی گردید و اوج آن را در دوره ناصرالدین‌شاه رخ نمود که در خلق آثار تاریخی و جغرافیایی در دو بخش تألیف و ترجمه پیش رفت و امروزه بخش مهمی از گنجینه‌های نسخ خطی، چاپ سنگی و سربی را تشکیل می‌دهد.

جمع‌آوری اطلاعات تاریخی و جغرافیایی نقاط مختلف ایران در دوره ناصری برای تألیف مرجع جغرافیایی به نام مرآة البلدان مورد توجه قرار گرفت و از افراد صاحب‌نظر برای تألیف برای هر منطقه استفاده شد. سرپرستی این امر بر عهده وزیر انطباعات ناصری، اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) بود. تألیف تاریخ کاشان در این زمینه صورت گرفت. کلانتر ضرابی خود در علت تألیف کتاب در ابتدای آن، درخواست یکی از زرتشتیان پارسی هند از ناصرالدین‌شاه و نیز توصیه حاکم وقت کاشان، احتشام‌الملک ذکر می‌کند (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۶).

مرآة القاسان (تاریخ کاشان)

کتاب تاریخ کاشان که در سال ۱۲۸۷-۱۲۸۸ هجری قمری نگاشته شده است در حقیقت اثر محققانه دائرة المعارف گونه‌ای به شهر کاشان در تمامی ابعاد تاریخی، اقتصادی و اجتماعی است.

این اثر در یک مقدمه، شش فصل و یک خاتمه نگاشته شده است که هر فصل به ابوابی تقسیم می‌شود. بین فصول نوعی پیوستگی دیده می‌شود: فصل اول بیان مسائل جغرافیایی و اقلیمی منطقه کاشان است و فصول دوم تا چهارم به موضوعات اقتصادی پرداخته می‌شود و فصل چهارم فصلی در مردم‌شناسی (آنتروپولوژی) و معرفی آداب و رسوم آنان می‌باشد. از این قسمت کتاب به بعد بیان موضوعات تاریخی و اجتماعی محلی کاشان است. ابتدای هر باب

سؤال یا سئوالاتی مطرح می‌شود و توضیحات فصل‌های کتاب جواب آن سئوال‌هاست. این سنت متن‌نویسی که همراه با سؤال جواب است به سنت دایرة المعارف‌نویسی دوران میانه اسلامی در ایران برمی‌گردد که با سؤال و جواب در متون همراه بود که می‌توان به نمونه یواقیت العلوم اشاره کرد. در کتاب مرآة القاسان به دو موضوع کشاورزی و خاندان‌ها توجه ویژه شده است که می‌تواند بازتاب اوضاع اقتصادی، سیاسی آن دوران باشد. فصل پنجم به طور ویژه به تواریخ حکومتی محلی پرداخته است. نگارنده در باب نهم فصل ششم در حدود اسباب آبادی مملکت و ترقی به راه‌حل‌های اقتصادی و انتقاد ضمنی از سیاست‌های اقتصادی می‌پردازد. (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۴۴۷).

فلاحیت کاشان در آینه مرآة القاسان

کاشان در منطقه اقلیمی گرم و خشک فلات ایران قرار دارد و متوسط بارندگی آن در طول یک سال آبی بین ۹۰ تا ۱۲۵ میلیمتر متغیر است که براساس تقسیم‌بندی‌های اقلیمی (مانند تقسیم‌بندی اقلیمی Koppen)، اما دارای سفره‌های آب زیرزمینی زیادی بوده که در گذشته و حال با حفر چاه و قنوات برای کشاورزی در آن منطقه بهره‌برداری صورت می‌گیرد (ثابتی، ۱۳۴۸: ۵۲).

کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن رکن اصلی اقتصادی در دوره قاجاریه است. اساس تقسیم‌بندی منطقه‌های کشاورزی بر مبنای بلوکات است. روستاها (قصبات و قراء) و مزارع در قالب بلوک احصا می‌گردند. فصل دوم کتاب توصیف کاملی از جغرافیای کشاورزی کاشان در دوره قاجار است که رونق کشاورزی منطقه کاشان را نشان می‌دهد. از آنجا که کاشان در منطقه خشک و نیمه‌خشک اقلیمی قرار دارد زراعت و باغبانی فاریاب (با آبیاری) است. این آب از طریق نهرها و قنوات تأمین می‌شده است. قنات در حقیقت اختراع کهن ایرانیان در استفاده از آب‌های زیرزمینی است (صفی‌نژاد قنات در ایران). در آن دوره هفت رشته قنات تأمین آب شهر کاشان را بر عهده داشته‌اند (قنوات سبعة) و این هفت رشته قنات به شرح زیر است:

«قنات عبدالرزاق‌خان، قنات محمودآباد، قنات صاحبی، قنات نصرآباد، قنات دولت‌آباد، قنات معظم‌آباد، قنات میرباقر..... دو طاقه (واحد شمارش قنات) از قنوات معظم‌آباد و صاحبی برای مشرب نمودن باغات استفاده می‌شده است.» (کلانتر ضرابی، ۱۳۵۶: ۱۳۱). در این زمان قنات محور اصلی ثبات کشاورزی است.

تدقیق در این امر نشان می‌دهد در منطقه خشک کاشان با مدیریت صحیح آب در آن زمان به صورت بهره‌برداری از قنات چگونه محصولات مختلف با کیفیت به عمل می‌آمده است که خود نشانی از کارآمدی نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی (زمین و آب) را دارد.

طبق محتویات کتاب مزارع شهر تا نیم فرسخی شهر پراکنده بوده‌اند (همان: ۱۳۲). نکته قابل توجه در این فصل آموزش زراعت و باغبانی عملی در آن است. مؤلف کاشان را از اقلیم چهارم (اقلیم ایران‌شهر) از اقالیم سبعة دانسته و نتیجه گرفته که کشاورزی در آن مناسب است:

«اولاً باید دانست آب و خاک و هوای کاشان چون از اقلیم چهارم. عرضاً و طولاً از خط استوا و جزایر خالداات قریب بمركز حقیقی است زراعت و فلاحت و باغات و اشجار از هر جنبش و نوع بغایت خوب می‌شود و زارع و ملاک کاشان هم از همه جا بهترند و در فنون زراعت استادترند و هم با بیل و هم با گاو کشت و زرع می‌کنند» (همان: ۱۵۹).

کلانتر ضرابی در این فصل اشاره به دو ناحیه سردسیر و گرمسیر کاشان می‌کند و در باب تغذیه خاک توصیه‌هایی دارد. الگوهای کشت را بیان نموده است و دستورات زراعی ویژه‌ای برای افزایش محصول دارد که حاصل تجربه زارعان است که حتی امروزه می‌توان به کار بست و جلوه‌ای از دانش بومی کهن این سرزمین است. تنها زراعت دیمی که مؤلف به آن اشاره دارد، کشت هندوانه است:

«باید دانست که در کاشان زراعت دیم متداول و معتبر نیست مگر زراعت هندوانه که در سمت ریگستان سال‌های وشن سال اول حمل در دامنه‌های بند ریگ بی‌شخم و شیار با سر بیل زمین را چاک زده زده تخمه بریزند و چون سبز شود و شش برگ گردد هر چالی را یک بوته گذارند و از پی کار خود روند و چون به ثمر رسد دیده‌بان گمارند و تا آخر پاییز سه چهار دست هندوانه ممتاز بچینند» (همان: ۱۶۲).

مطالب کتاب در ارتباط با باغبانی، پرورش گل و گیاه کاملاً کاربردی است و نشان از دانش عمیق نویسنده در این باب دارد. از درختان میوه‌دار باغات از انار، تاک (انگور)، انجیر، لیمو، نارنج و از درختان سایه‌دار سفیدار، سرو، چنار، عناب، بید، کاج و نارون را ذکر می‌کند و اشاره‌ای به باغ‌های خانگی دارد و ذکر توصیفی برخی باغات را کامل بیان می‌کند. در آن دوران اکثریت صاحب‌منصبان، مالک زمین و روستاهای کشاورزی نیز بوده‌اند و معمولاً خود به طور مستقیم یا از طریق مباشران (میرزاها) به رتق و فتق امور آبادی‌های تحت مالکیت خود می‌پرداختند و به طور مستقیم با امور کشاورزی و باغبانی سرکار داشتند.

طیف وسیعی از محصولات که کشت و زرع می‌شده است نشان از تنوع زیستی دارد که امروزه از شاخص‌های کشاورزی پایدار و کشاورزی ارگانیک است که در قرن ۲۱ برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی راه‌حل اصلی است. نظام مباشرت برای ملاکین بزرگ از نظام‌های کهن تاریخی در ایران است که مانع از کوچ کشاورزان در دوران‌های خشکسالی می‌گردیده است.

در انتهای این فصل مؤلف به آفات و امراض و صدمات ناشی از آن می‌پردازد. بخشی از خسارات را مرتبط به ضعف اواخر دوره صفویه، حمله افغانان و درگیری حکومت‌های محلی ملوک‌الطوایفی مربوط می‌داند و شرح وقایع را نیز آورده است:

«از زمان افول کوکب سلطنت سلاطین صفویه اشرف افغان آهنگ سلطنت نموده... در سنه یکهزار و سی و پنج هجری بعد مدت‌ب اصفهان را مفتوح داشت و شاه سلطان حسین صفوی را در معرض هلاک مطروح افکند و بعزم جهانگیری آهنگ تسخیر ری و مازندران کرد. چون به حوالی کاشان رسید نظر به آنکه اهل دارالمؤمنین مدتها در ظل تربیت امنای شریعت مقدسه و حامیان شیعه اثنا عشریه آرمیده و از نقاب نقیه غیر محجوب سیر نموده بودند چنانکه

باید و شاید تمکین و اطاعت ایشان را نکردند و لذا حکم بانهدام و قتل و نهیب و غارت شهر و رعیت و مال و منال این حدود فرمود..» (همان: ۲۱۱).

اینجا در حقیقت همان منطق کاهش تولید کشاورزی در اثر کشمکش‌های محلی و سیاسی که یکی از عناصر ثابت در روند تاریخ اقتصادی ایران است را می‌توان از لابه‌لای سطور بازیابی نمود.

نویسنده تاریخ کاشان بیماری‌های شایع مردم در کاشان امراض دُموی و صفراوی ذکر کرده است: «از پیش مبرهن گشت که هوای کاشان گرم و خشک است و بالبداهه این هوا در امزجه واقفین مقتضی غلبه دم و صفرا است و علی‌التحقیق در این شهر امراض دُموی و صفراوی شایع است و از صد نفر بیش از هفت یا هشت نفر تلف نمی‌شوند» (همان: ۲۱۸).

مطالب این فصل نشان‌دهنده آشنایی و تسلط قوی نویسنده بر اقتصاد کشاورزی آن دوران بوده است. در این فصل به مراتع و چرا اشاره گردیده است:

«در بعضی از ییلاق‌های کوهسار سالی دو ماه از هر قریه گله گاو خود را در کوه در کنار چمنزارها می‌کنند و زاید دو ماه کفاف نمی‌دهد و در سمت بند ریگ شترداران سالی یک ماه شتران خود را می‌چرانند در بهار و بیش از یک ماه گنجایش هزار نفر شتر را ندارد» (همان: ۱۹۹).

در ارتباط با نزولات جوی حدود زمان‌های بارش ذکر گردیده است که بیشترین بارش مربوط به ماه‌های پاییز و اسفند ماه است. باریدن برف در ده روز بعد عید علیرغم گرمسیر بودن کاشان رخ می‌داده است. در این بخش از کتاب از بروز وبا در ۵۰ سال قبل از تألیف که یک چهارم جمعیت را قربانی کرده است سخن به میان آمده است:

«و اما وبا- این ناخوشی در ایران متداول نبود بلکه مردم کاشان اسمی از آن نشنیده بودند. پنجاه سال قبل در کاشان ظاهر شد و ثلث مردم را معترض گردید و ربع خلق را کشت و از آن سال الی حال در صفحات ایران گاه‌گاه دیده می‌شود» (همان: ۲۰۱).

امروزه در مورد این وبا- و قحطی‌های ناشی از آن- که به صورت سراسری در آن زمان نیمی از فلات ایران را درگیر نموده بود، تحقیق‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به کتاب قم و قحطی بزرگ تألیف جان گرنی و منصور صفت گل (۱۳۸۷) اشاره نمود. تغییر نگرش به بیماری، نحوه درمان آن، تغییر پارادایم از طب قدیم به پزشکی جدید و نیاز به تمرکزگرایی در درمان با روش‌های جدید پی آمد این وبا را از نقاط عطف ورود ایران به مدرنیسم می‌دانند (حیدری، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

ناکامی‌های ناشی از جنگ‌های ایران و روس باعث بازاندیشی و شروع به خودآگاهی در نخبگان سیاسی و اجتماعی ایران گردید که یکی از نتایج آن اندیشه نگاه به ممالک پیشرفته‌تر و ضرورت اصلاحات اقتصادی و سیاسی (در وهله اول نظام تنظیمات و بعد آن نظام مشروطه و حکومت قانون) برای ایران را باعث شد. نیمه عصر ناصری را

باید آغاز ورود مدرنیته به ایران دانست. تأسیس دارالترجمه ناصری، افزایش تعداد روزنامه‌ها و کتب چاپ سنگی، برقراری خطوط تلگراف از نشانه‌های آن بود. توجه به شناخت وضع موجود یکی از طلایه‌های توجه به خودآگاهی است. این امر در تألیف کتبی چون مرآة البلدان محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (صنیع‌الدوله) بروز می‌یابد. و قبل از از مشروطیت ضرورت سرشماری و نقشه‌برداری و انجام آن تحقق می‌یابد. تأکید نویسندگان دوره قاجار بر وصف کامل اوضاع اقتصادی، اجتماعی و تاریخی در آثار تاریخی امروزه گنجینه گرانبهایی را برای بررسی تواریخ محلی را در اختیار محققان معاصر قرار داده است. کتاب مرآة القاسان که در دوره ناصری به نگارش درآمده است، دایرة المعارف تاریخی و جغرافیای کاشان تا نیمه دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه می‌باشد و بازتابی از تحولات اجتماعی و اقتصادی آن دوران در آن مشاهده می‌شود. مؤلف که خود از کارگزاران دیوانی حکومت ناصری بود، با نگاهی علمی، نثری ادیبانه و واقع‌بینانه این اثر را به تحریر درآورده است، مرآة القاسان منبع متقن و معتبری در ارتباط با مطالعات تاریخ محلی و تاریخ اجتماعی منطقه مرکزی ایران در دوران قاجار می‌باشد. براساس مطالب این کتاب، کشاورزی منطقه کاشان از رونق فراوانی برخوردار بوده است، تعدد و دایر بودن قنوات باعث کشت دامنه وسیعی از محصولات در این دوره است. با توجه به اقلیم خشک کاشان، تولید طیف وسیعی از محصولات و مدیریت نظام آبیاری بر اساس قنوات نشان از دانش بومی ریشه‌دار و قوی در این نواحی را دارد. لذا بازیابی عناصری از این دانش برای بهره‌برداری ایمن از محیط زیست (در دوره‌ای که با بحران‌های محیط زیستی حاصل از تغییر اقلیم و کاهش منابع آب رو به ازدیاد است) ضروری به نظر می‌رسد براساس مطالب این اثر مشاهده می‌شود که دانش بومی سرزمینی این منطقه عامل ثبات تولید در کشاورزی سنتی است و احترام به طبیعت شالوده این دانش است.

منابع

- افشار، ایرج (۱۳۳۵). *یادداشتی در تاریخ کاشان*. مجله یغما، شماره ۹۵: ۱۲۴-۱۲۸.
- امانت، عباس (۱۳۸۳). *قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران*، ترجمه حسن کامشاد. تهران: کارنامه.
- بارتولد، واسیلی ولادمیروویچ (۱۳۵۸). *تذکره جغرافیایی تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور. تهران: توس.
- ثابتی، حبیب الله (۱۳۴۸). *بررسی اقالیم حیاتی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جکسن، آبراهام (۱۳۵۷). *سفرنامه جکسن*، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.
- حیدری، آرش (۱۳۹۹). *واژگونه خوانی استبداد ایرانی*. تهران: مانیا هنر.
- رازنهان، محمدحسن و بیاتی، هادی (۱۳۹۴). *بررسی جرایم اقتصادی در دوره ناصری*. پژوهش‌های تاریخی. دانشگاه اصفهان، سال هفتم، شماره ۲۸: ۶۱-۸۲.
- رحمانیان، داریوش و میرزایی، مهدی (۱۳۹۷). *نظام مالکیت آب در روزگار قاجاریه: مطالعه موردی کاشان و پیرامون*. تحقیقات تاریخ اجتماعی، شماره ۱۶: ۱-۲۵.
- ستوده، منوچهر (۱۳۶۱). *حدود العالم من المشرق الى المغرب*. تهران: طهوری.
- عاطفی، افشین (۱۳۸۹). *بزرگان کاشان*. تهران: مرسل.
- غفاریان، سیروس (۱۳۸۰). *گذری بر منابع و تحقیقات تاریخ کاشان*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. خانه کتاب، شماره ۴۶: ۸۴-۸۳.
- قنوت، عبدالرحیم (۱۳۸۹). *سیمای کاشان در معجم البلدان یاقوت حموی*. فصلنامه کاشان شناخت. شماره ۶: ۱۷۳-۱۸۰.
- کریمیان، علی (۱۳۷۹). *وظایف وزرای شش‌گانه و مجلس دربار در عهد ناصری*. گنجینه اسناد. کتابخانه ملی، شماره ۳۹: ۴۷-۴۰.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (۱۳۵۶). *تاریخ کاشان*. تهران: امیرکبیر.
- گرنی، جان و صفت گل، منصور (۱۳۸۷). *قم در قحطی بزرگ*. قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- گریشمن، رومن (۱۳۸۱). *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.
- لسترینج، گای (۱۳۸۳). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
- لمبتون، آن (۱۳۸۵). *سیری در تاریخ اسلام بعد ایران*، ترجمه یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۸۹). *نزه القلوب*. تهران: اساطیر.
- مسعودی‌فر، امید (۱۴۰۲). *بازنمایی وضعیت کشاورزی سیستان در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی براساس اسناد منتشره مربوط به گزارشات ایالات و ولایات*. کشاورزی و توسعه پایدار، شماره ۹۹: ۱۱-۱۹.
- مهدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۹۹). *تاریخ کاشان ناصری و جان‌گیری علم سرشماری*. فصلنامه جمعیت، شماره ۱۱۴: ۲۸۶-۲۹۷.
- هایکرک، پیتر (۱۳۷۹). *بازی بزرگ*، ترجمه رضا کامشاد. تهران: نیلوفر.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Perspective of Kashan Agriculture in Merat – al Ghasan (History of Kashan)

Omid Massoudifar

Received: ۰۷ Nov ۲۰۲۴

Accepted: ۲۱ Dec ۲۰۲۴

Abstract

The Naseri era is a period of social change in the history of Iran and the beginning of social modernism. Factors such as changes in the functioning of the traditional bureaucracy, extensive cultural and economic ties with the outside world, the arrival of new manifestations of industrial progress in the country, the expansion of the publishing industry and the competition of the great colonial powers in Asia, marked these developments. During this period, the authors collected and compiled information about the culture, economy of the states and provinces of the country.

This article examines the agriculture situation of Kashan in the Merat-al Ghasan book and the applicability of the points raised for the contemporary period.

This research is based on the document-library method.

The results showed that agriculture was the main economic base in the middle period of the Nasserite era, indigenous knowledge of the land was the factor of agricultural stability in that period, and in this arid region, the aqueduct was the center of agriculture. The recovery of this native knowledge can be useful in solving environmental crises today. The author has written a comprehensive work by mentioning the historical events of the Qajar period in Kashan. The Merat–al Ghasan authored by Abdul Rahim Kalantar Zarrabi, published under the title history of Kashan in Iran, is an encyclopedic work that deals with the historical, social, economic, sociological and anthropological aspects of Kashan in the Naseri era. This work provides first-hand and comprehensive information related to Kashan, the society and economy of that region, which is very effective in understanding the developments of that era

Key words: Agriculture, Kalantar Zarabi, Kashan, Merat–al Ghasan, Naseri period.